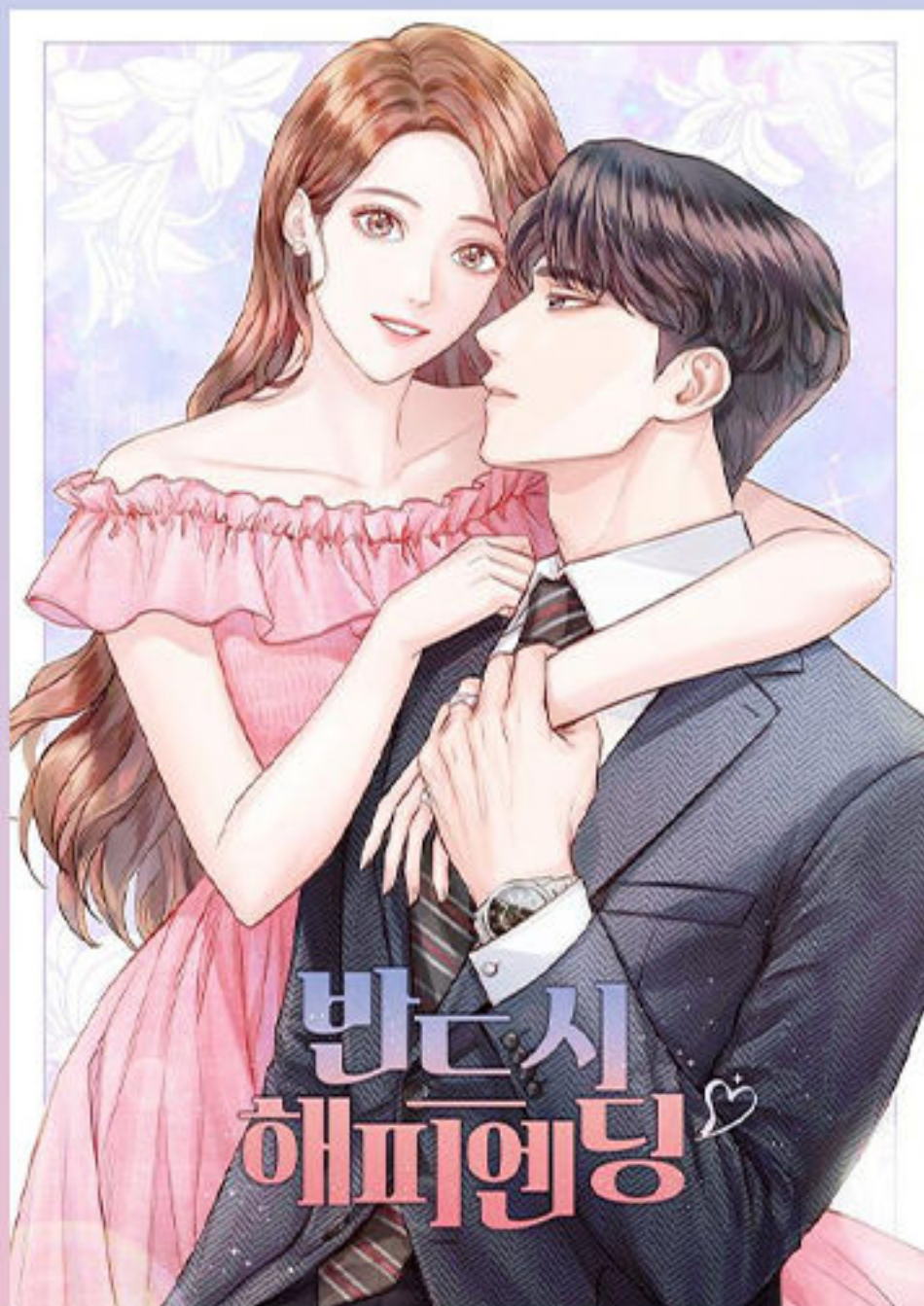




IRISEKAI



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

Powker
Hell
Robin

مترجم:

کلینر:

تایپیست:

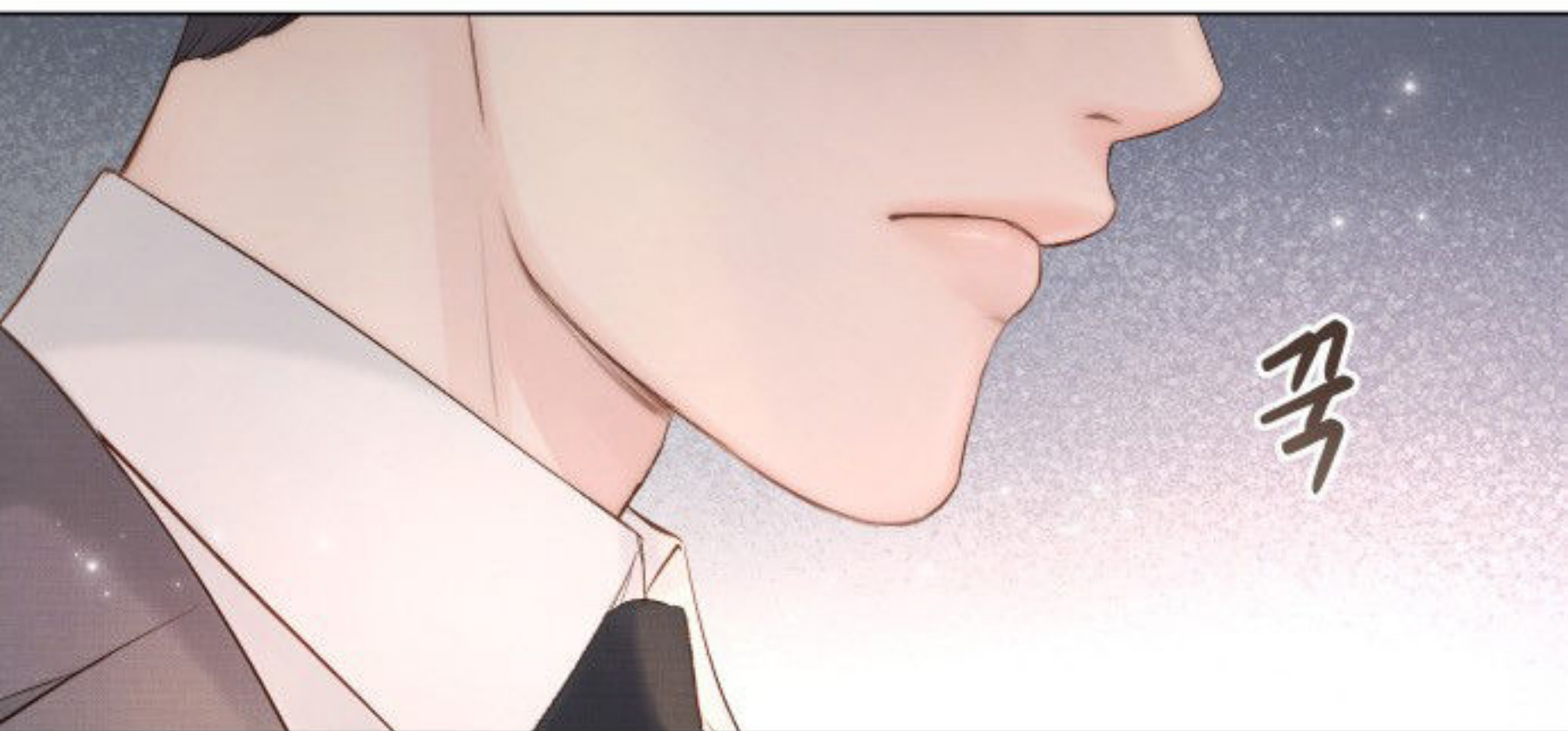




باشه...

탁.





꼭

خرمغز تو خورده؟

يعني واقعاً
نمی‌دونستی
آسیب دیدی؟!



1

깜짝!



دیگه هیچوقت
حال منو نپرس
که خوبم یا نه .



بجاش حواست
به خودت باشه!

.....

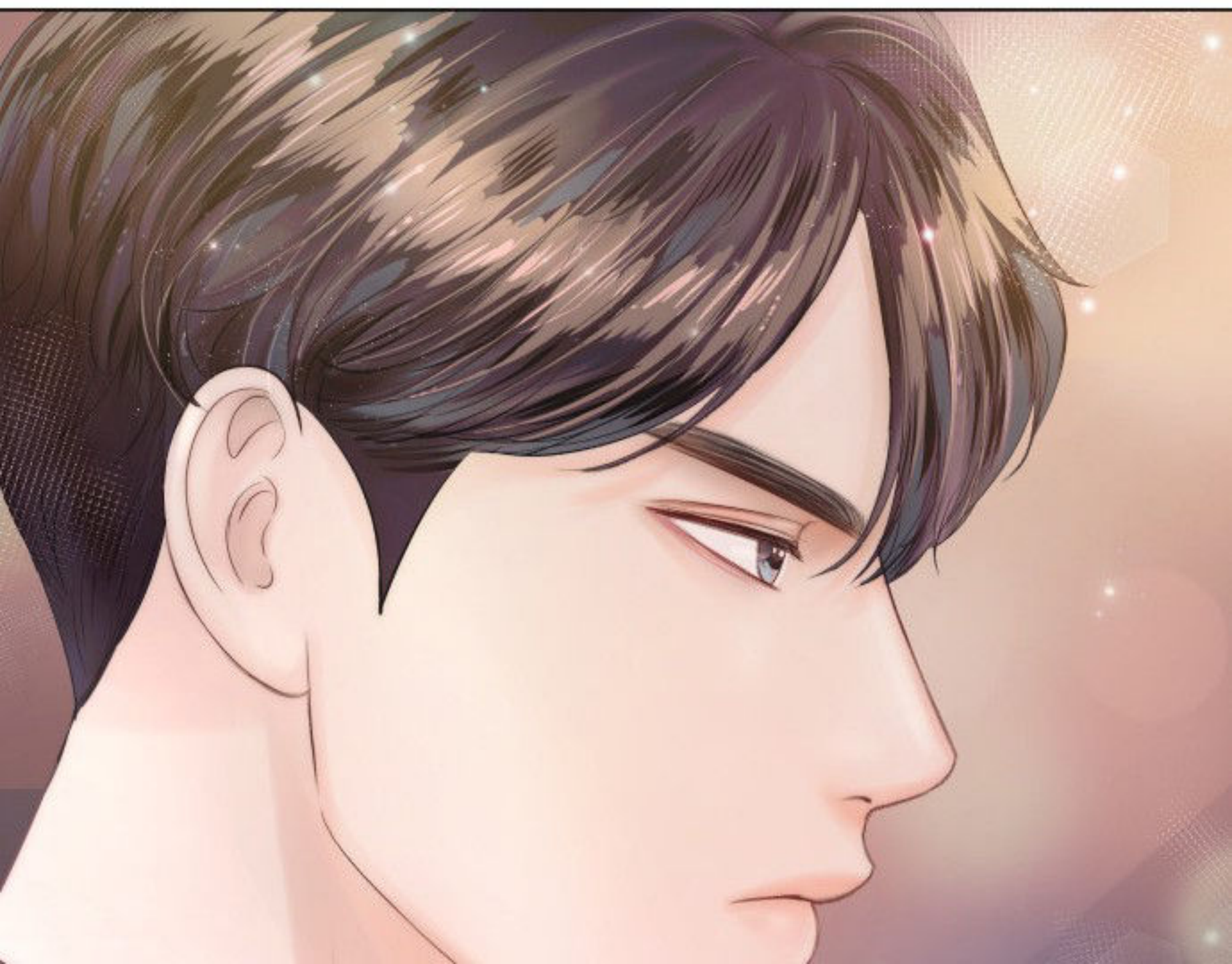
من مَحْوِيَم.



كاملاً مَحْوِيَم.

به هر حال،
اونی که زخمی
شده منم، نه تو،
سوئیپه.

مُدارو شکر!





چرا همیشه به
خدا از دست من
عصبانیه؟!

부영-





لی یون وو.



من.

من واقعاً از این
حالت بدم میاد.

بچه هایی که همه
چیزو به دوش میکشن،
کمتر حساس ترن.

مکث

افکارشون هم
جوریه که...

می خوان صبر کنن
و آروم بمونن. فکر می کنن

این تنها راهیه که برای دنیا،
مشکل دیگه درست
نمی کنن.



سونبه...



تو داری از
این روشی که دارم،
سود می ببری.

با خودت دو دو تا
چهار تا کردی و باهم
ازدواج کردی...

اردواج سردی...

مولا

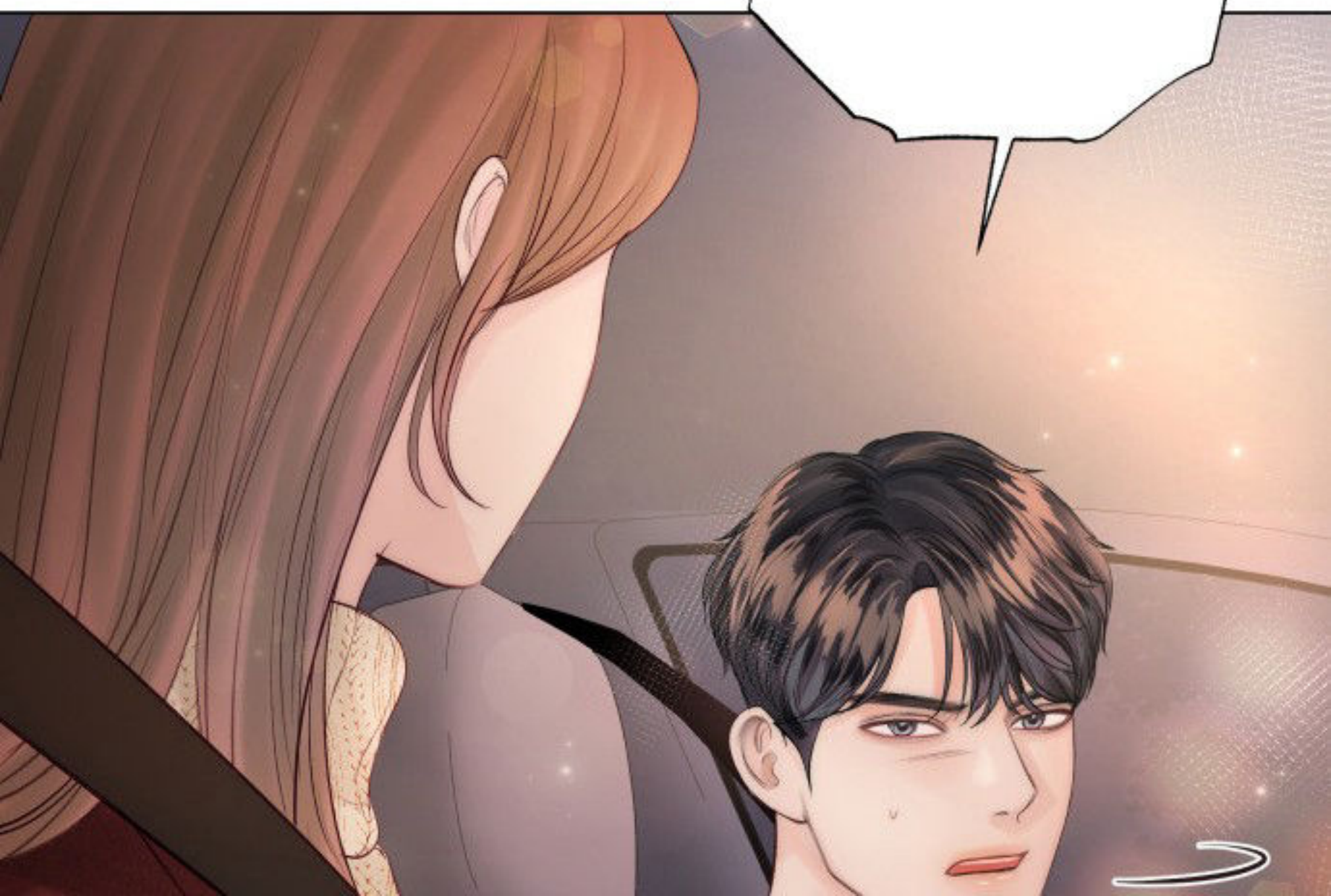
تو باهام فوراً

ازدواج کردی تا بتونی
همه چیو راحت برنامه ریزی
و مدیریت کنی.





داری راجع به چی
حرف می زنی ...





از این به بعد،
خودم مراقب خودمم.



و تو هم فقط کافیه
خواست به خودت
باشه ، سونبه.



Ok!

반드시 해피엔딩

각색 불사 그림 재림
원작 플라다



روز بعد





از دیروز ندیدمش.

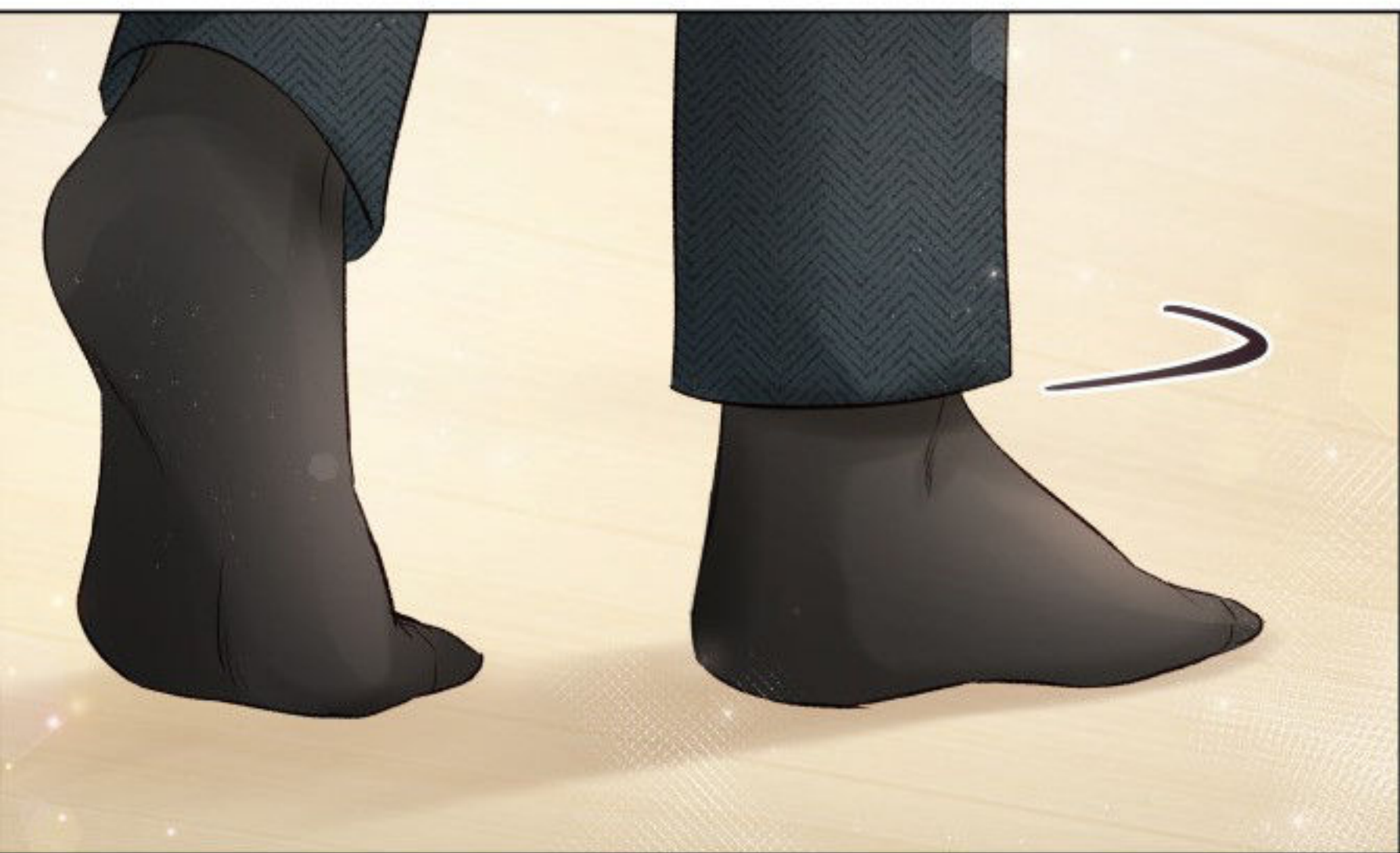


هنوز
خوابه یعنی؟





...ما تو اونچور
رابطه هایی نیستیم
که بخوایم همدیگه رو
پیدار کنیم.



저녁

저녁





رفتش...؟

می توئم
تحمیش کنم...

۱۰۰٪

فقط می خواهم
پیرسم حالت چطوره
ولی می ترسم دوباره
ازم عصبانی بشی.

راه دیگه ای نداری،
لی یون ۹۹.



ایش! من باید
از یکی مثل اون که
آسیب دیده بود،
عصبانی می بودم.



اصلاً چرا
اون از دست من
عصبانی بود؟!

من فقط از رو غریزه
برای محافظت از خودم
اون کارو کردم.





گفتم که باید
ادامه بدم.



من اینکار رو برای
نجات دادنت از خطر،
انجام دادم!

اگه همینجوری به
عصبانی بودن ازم ادامه
بدی، تا عمر دارم دیگه
کمکت نمی کنم.



یه جور رفتار
می کنم انگار هیچی
نمی دونم و به یه ورم
می گیرمت.



هاه... به این
صورت بدبختش
نگا کن.



ㅠ_ㅠ..

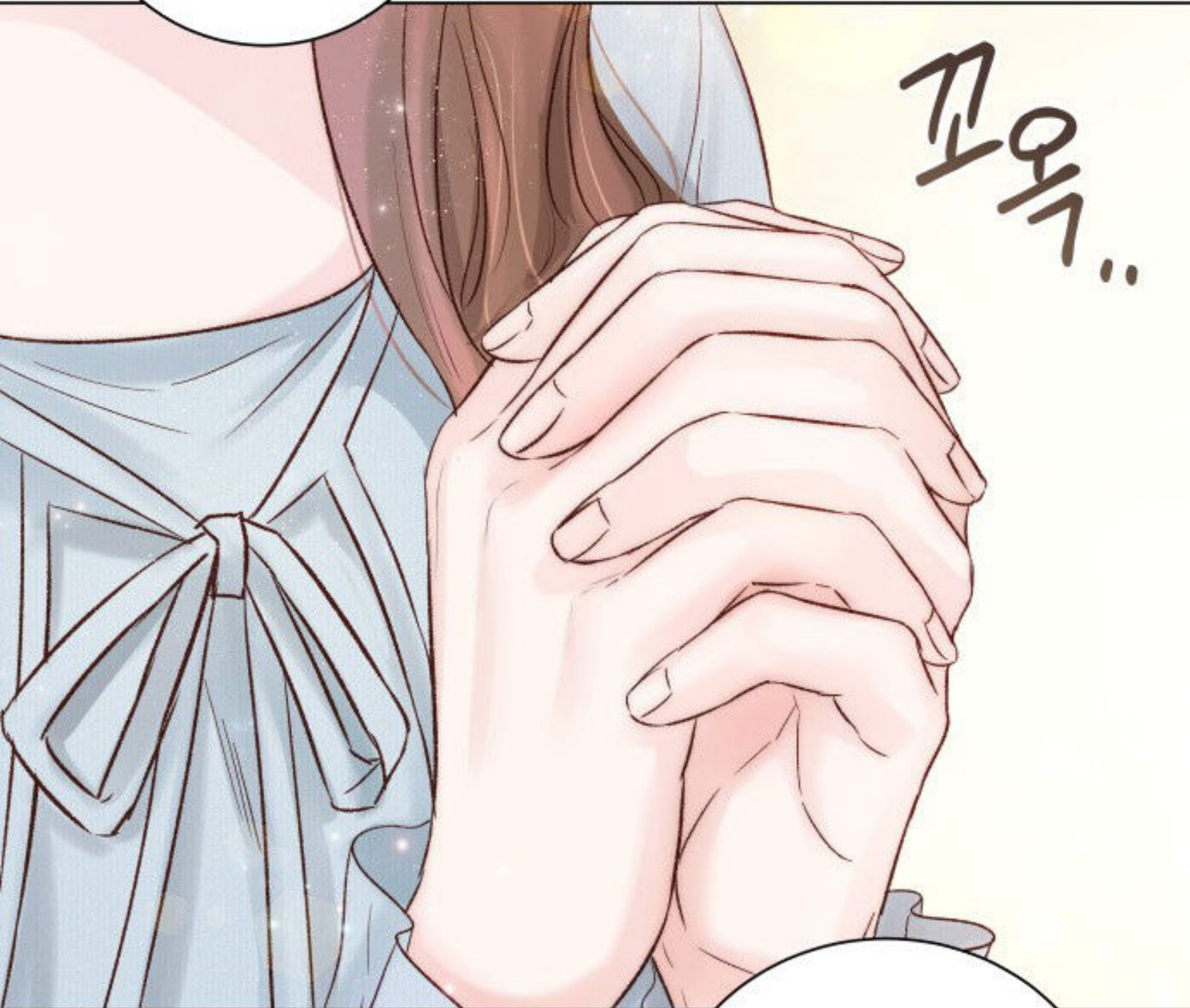
من... من...

نه... نمی شه.

살포시..



اوہ!
خدای عزیز.



고옥..

بخشید که
همچین افکار بدی
تو ذهنم داشتم.

...لطفاً اونو ازم
نگیرش.

پوکر: مردکو میله





اصلاً فکر
اینکارم نکن.







...صدایش در نمی اومد
و ذره ای مخالفت
نمی کرد.

ولی الان فرق کرده.
اون بهم اشاره کرد و
گفت نباید بهش
زل بزنم.

پوکر: برای اونایی که نمی روند،
تو آسیای شرقی، با انگشت
نخون دادن کسی بیارزشه.



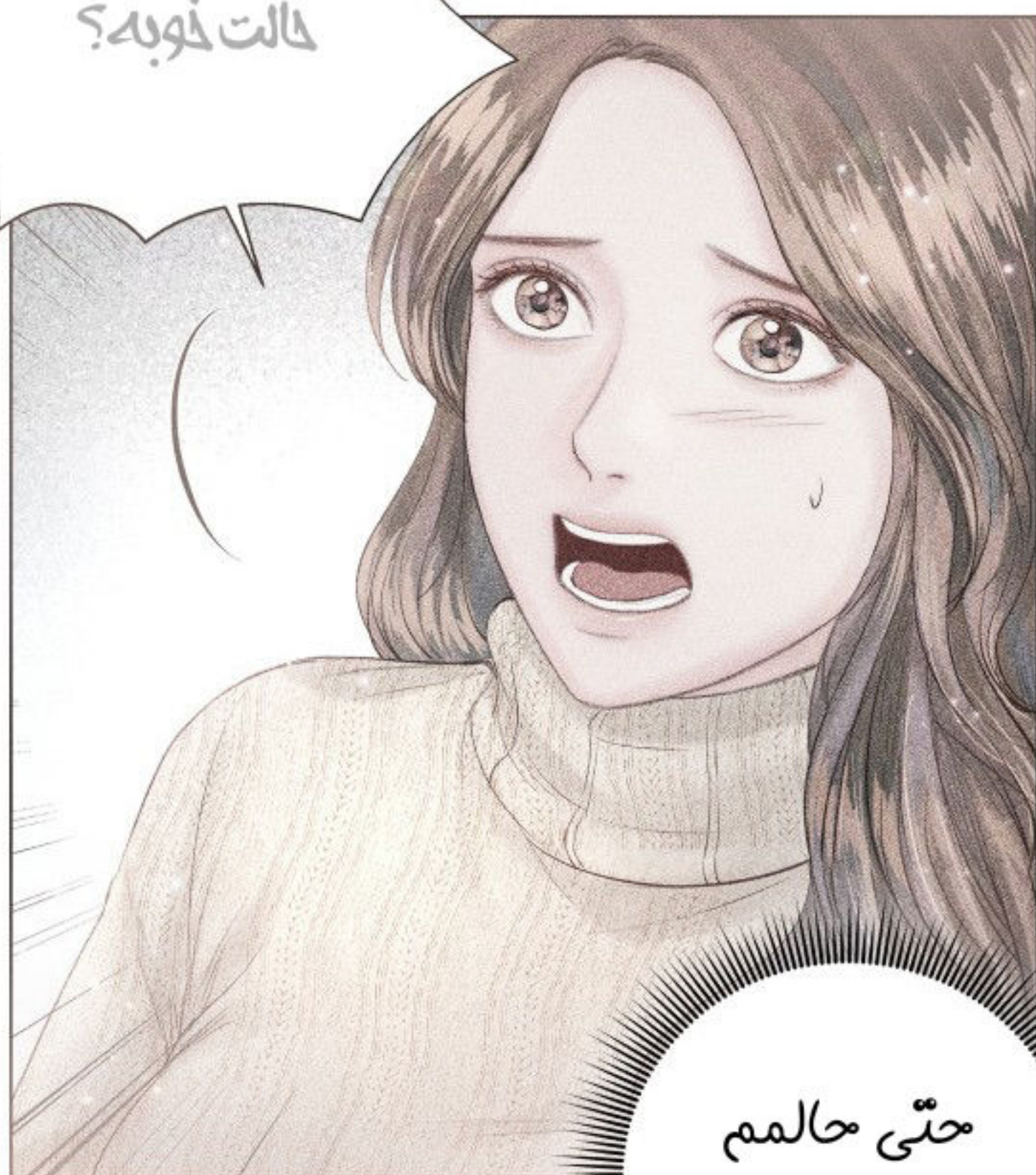
با اینکه
بالحن تندى اینو
بهم گفت،



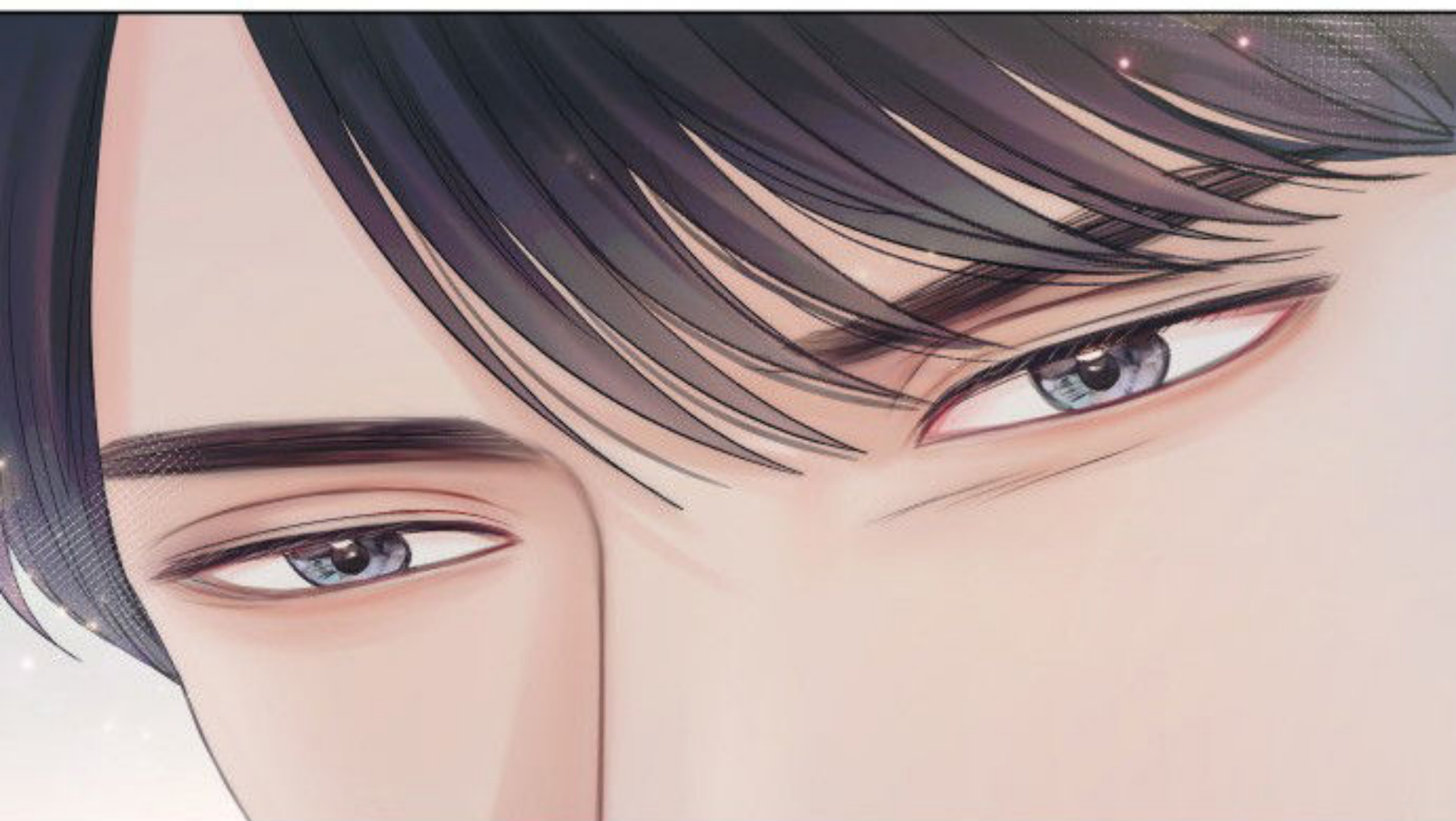


ولی با اینکه
زخمی شده بود،
ازم محافظت کرد.

حالت خوبه؟



حتی حالمم
ازم پرسید.





هیچی ایده ای راجع
به چیزی که درباره ش
فکر می کنی، ندارم،
لی یون ۹۹.

بعد از اینکه ازم
عصبانی شد،

لاک
لاک

دیگه نپرسید
حالم چطوره.



حتی به پیامم
نداد که پیینه رفتم
سر کار یا نه.

اگه اوضاع همینجوری
ادامه پیدا کنه...



ما به تدریج، نسبت
به هم سرد می شیم.

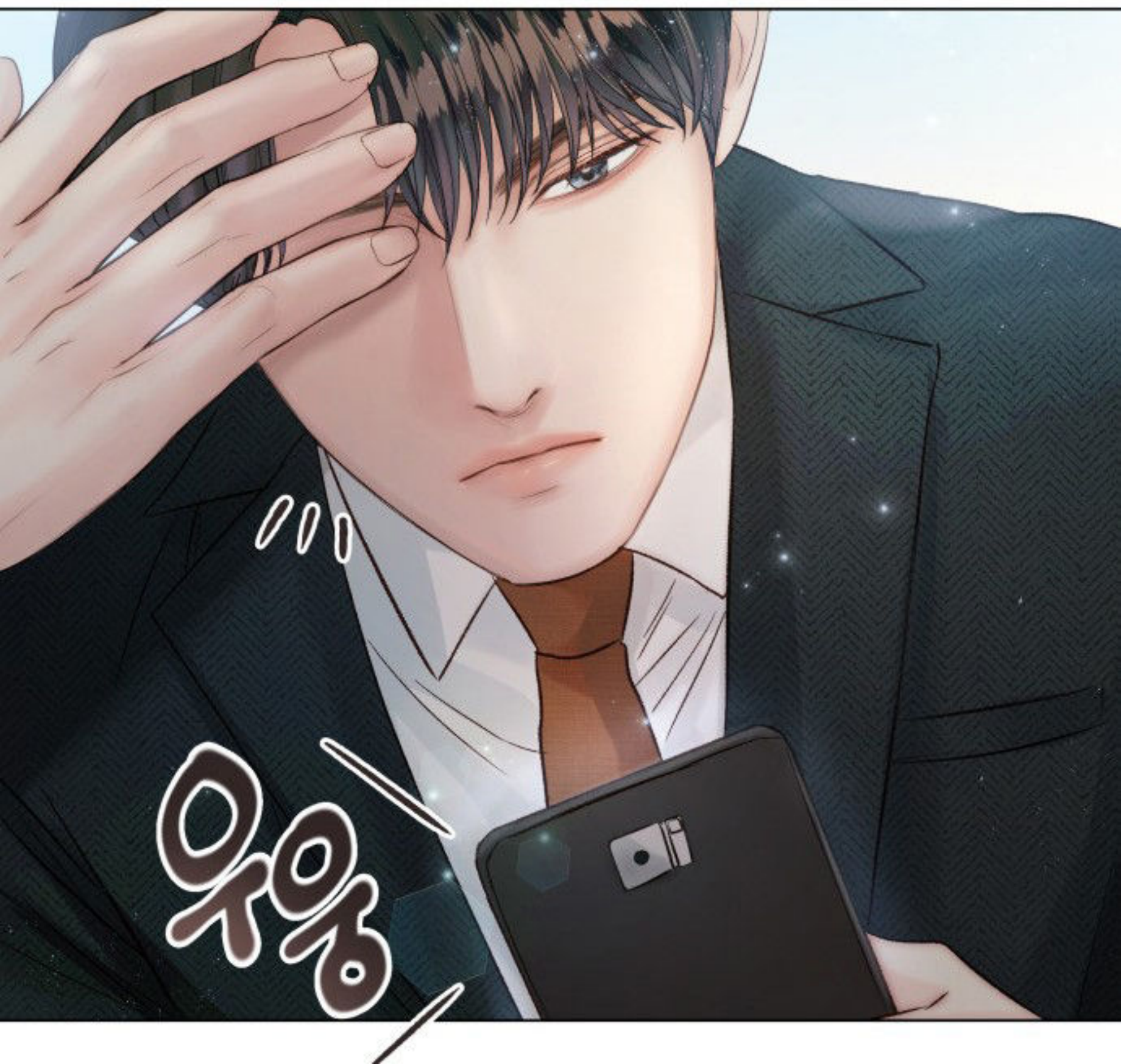
بعد دیگه هیچ
حس کنجاوی ای

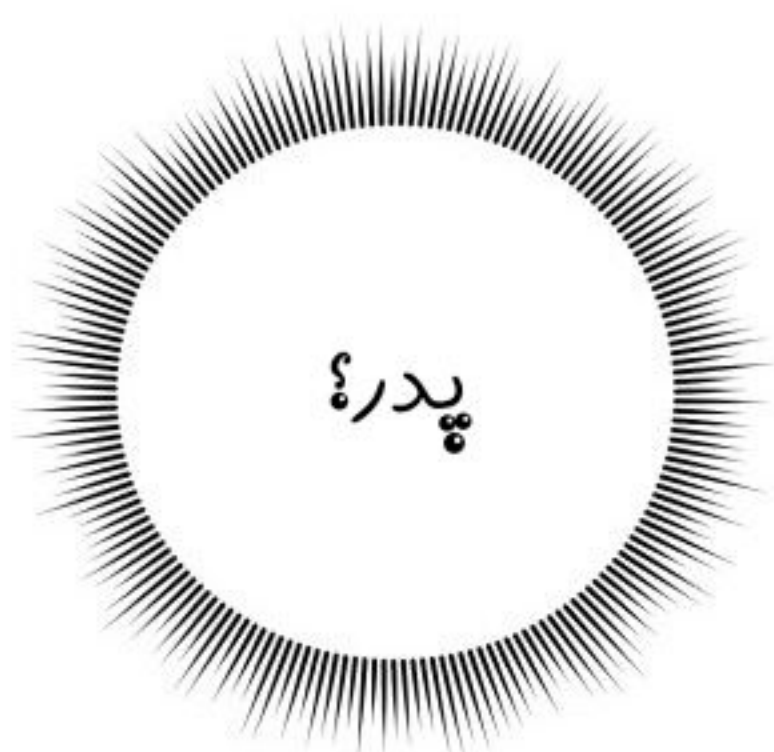
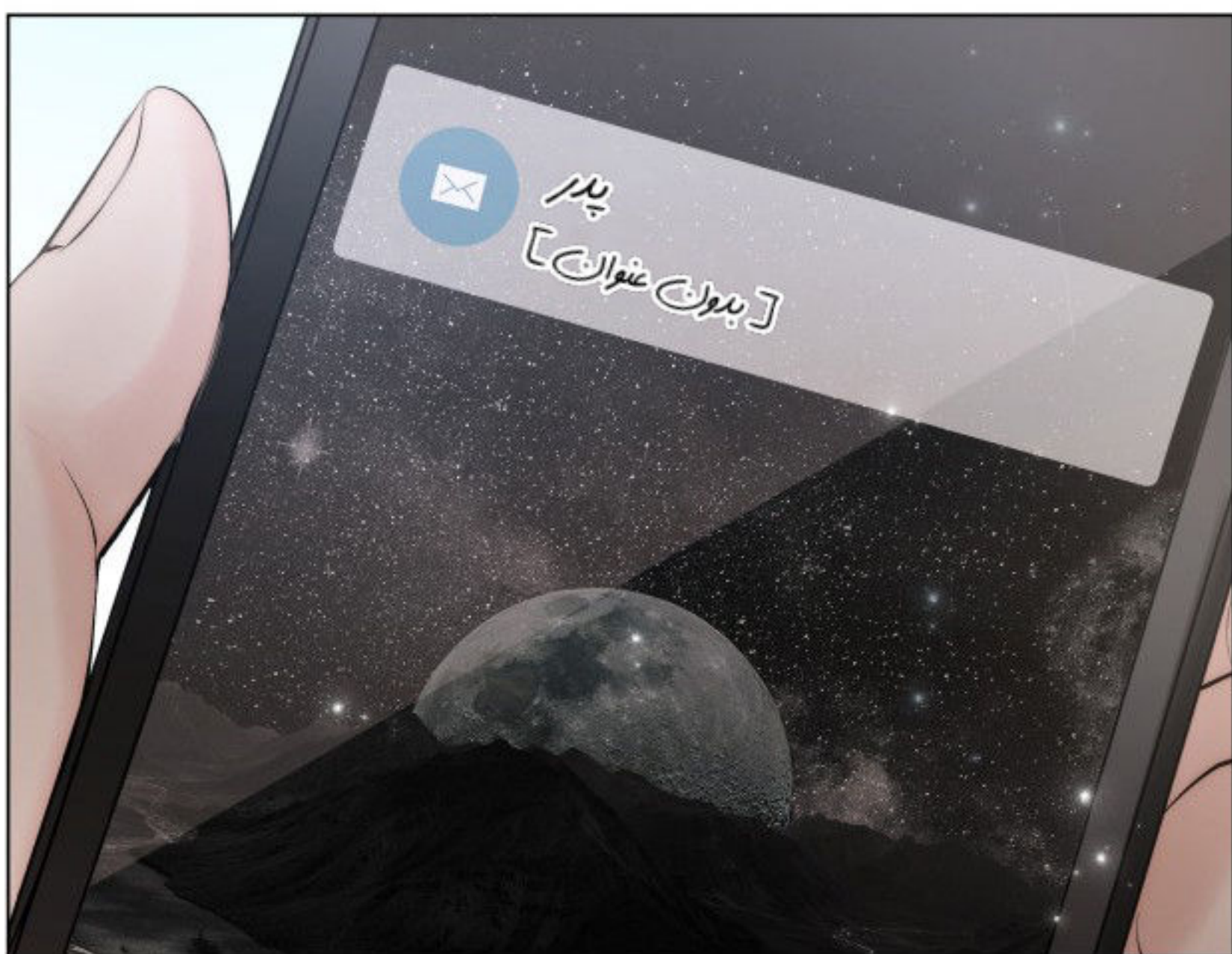


درباره زندگیمون،
نسبت به هم نخواهیم
داشت.

چرا این‌ها
باید سر من پیاد
آخه...

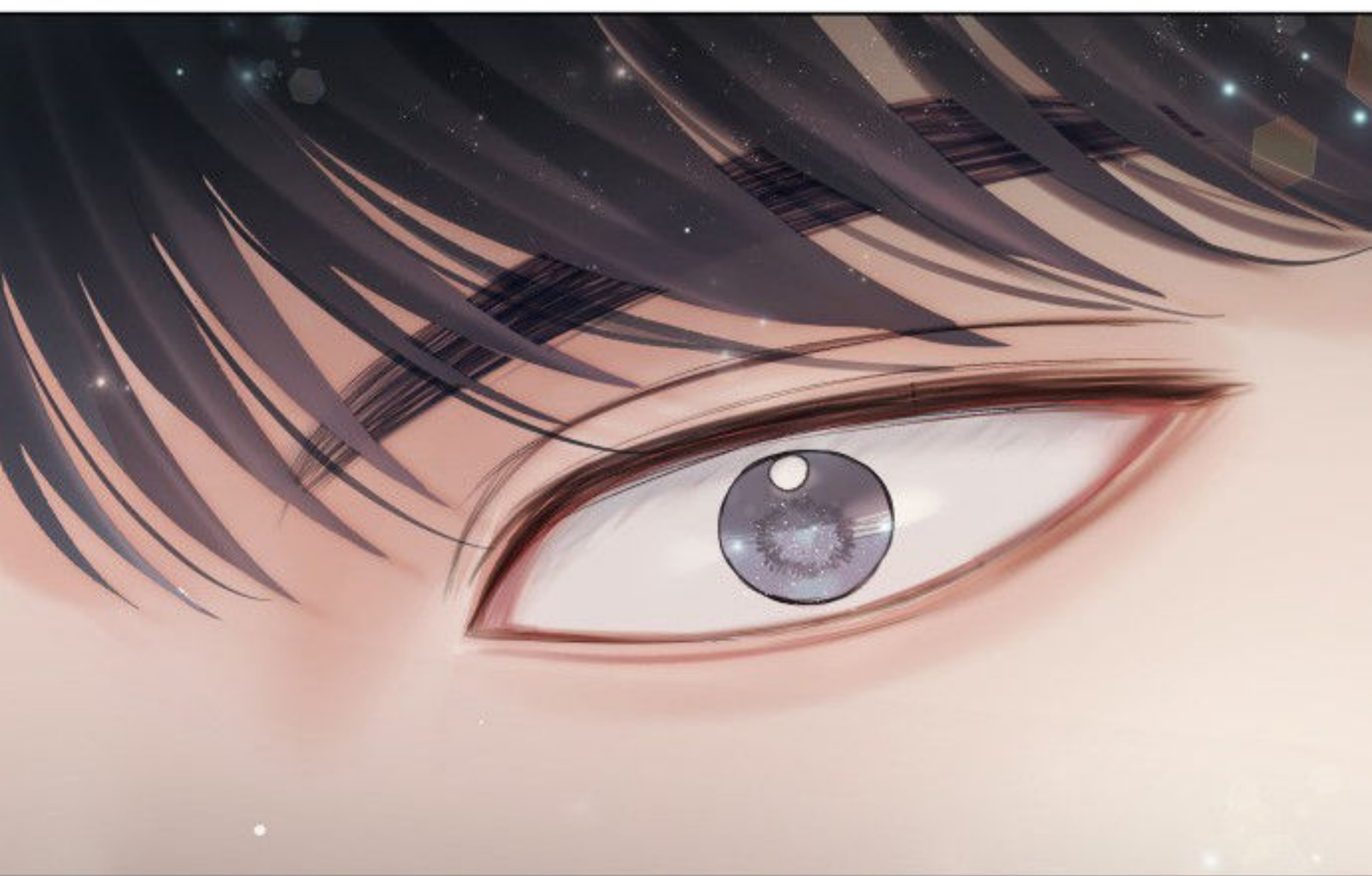




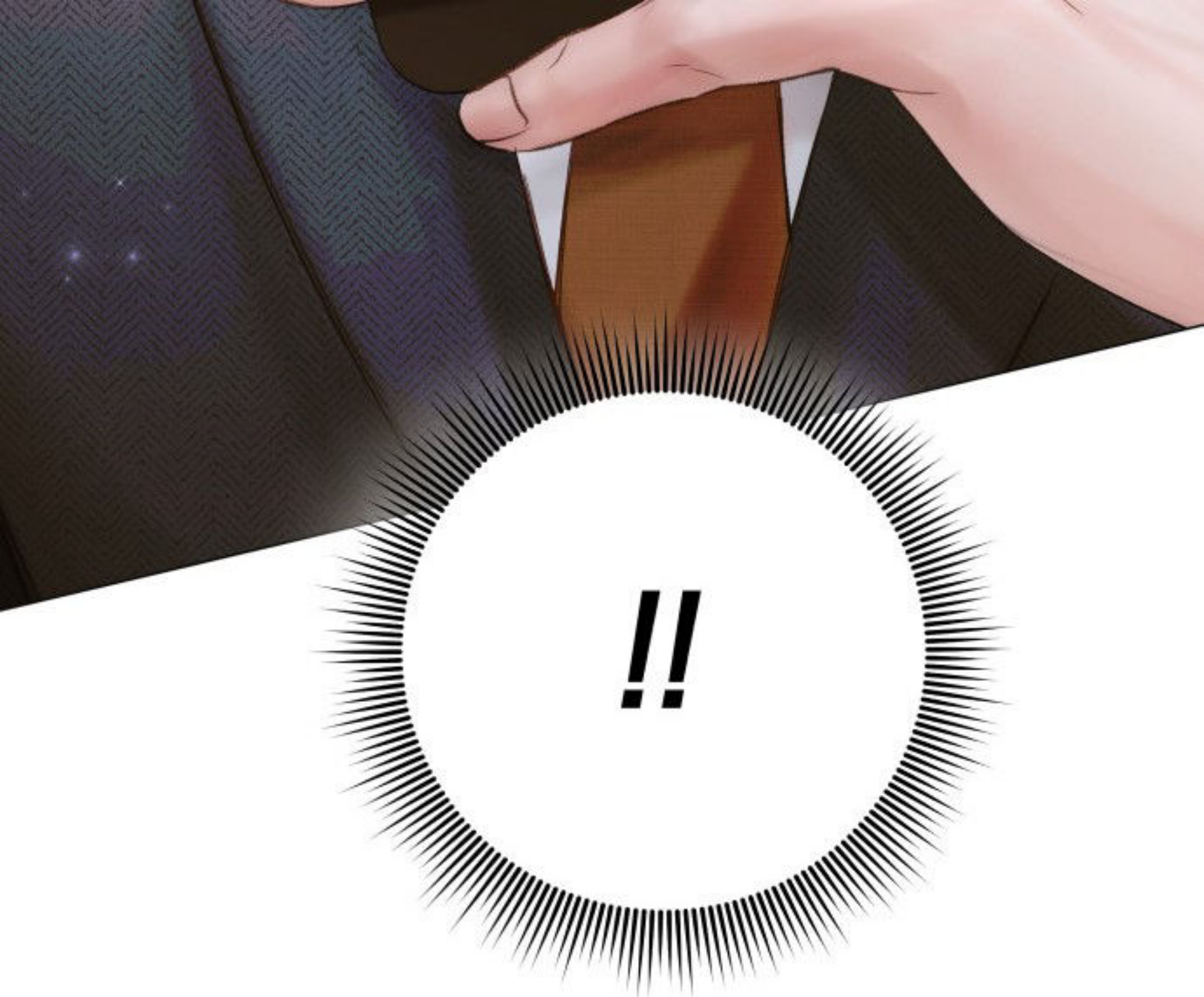




چرا یهو بهم
پیام داده ؟







An illustration of a man and a woman standing behind a light-colored wooden table. The man, on the left, has dark hair and is wearing a dark grey cardigan over a light-colored t-shirt. He is looking down at a clear glass of water on the table. The woman, on the right, has long, wavy brown hair and is wearing an orange cardigan over a white dress with a pink bow at the neckline. She is looking directly at the viewer. A speech bubble is positioned in the lower right corner of the image.

جوین شدن
تو چنل لایک و
کامنت یادت نره